

بازنمایی اعتقادات شیعی اظهري شیرازی در قصاید رساله کمال وی

فاطمه سادات طاهری^۱، فریبا چینی^۲

چکیده

مقاله حاضر باورهای اعتقادی و مذهبی بوداق اظهري شیرازی، شاعر قرن یازدهم را در قصاید او بررسی می‌کند. از آنجاکه قصیده قالبی است که شاعر برای تبیین موضوعی آگاهانه و مقصودی از پیش اندیشیده به کار می‌گیرد، اختصاص اکثر قصاید دیوان اظهري به منقبت اولیای دین به ویژه امیر مؤمنان^(ع)، یقیناً انعکاس اندیشه‌های دینی و اعتقادی اوست؛ بنابراین نگارندگان با رویکرد توصیفی تحلیلی مبتنی بر قصاید اظهري و پاسخ به این پرسش‌ها که با مطالعه قصاید اظهري کدام مؤلفه‌های اعتقادی وی آشکار می‌شود و شاعر چه شیوه‌هایی را برای تبیین این عقاید به کار گرفته است؟ این نتیجه حاصل شده که تحت تأثیر رسمیت یافتن تشیع در دوره صفویان، اظهار اعتقادات مذهبی نزد اظهري بر دیگر مضامین شعری اولویت داشته است. او در ۵۲ قصیده از ۸۳ قصیده دیوان خویش به توحید، نعت و منقبت رسول اکرم^(ص) و ائمه اطهار^(ع)، مناجات و ذکر صفات و معجزات ایشان پرداخته است. چنانکه می‌توان گفت بیش از دوسوم قصاید دیوان، بیانگر اعتقادات شیعی شاعر بوده و تحت تأثیر همین عقاید، محدود قصاید مدحی او نیز دستمایه درخواست قرار نگرفته است. این موضوع و همچنین تجلی اوج هنر شعری شاعر در قصاید اعتقادی اش، نشان دهنده اوج ارادت خالصانه اظهري به بزرگان دین بوده که یقیناً رسمیت یافتن و رواج تشیع و اعتقادات و دیدگاه‌های شاهان صفوی بر این موضوع بسیار مؤثر بوده است.

واژه‌های کلیدی: اعتقادات شیعی، تحمید، منقبت، معصومین^(ع)، قصاید اظهري شیرازی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول). taheri@kashanu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان. Walru-s@yahoo.com

۱. مقدمه

از آنجاکه بازتاب سخنان انسان اندیشه‌های اوست، پس در واقع ادبیات، انعکاس عواطف، اندیشه‌ها، اعتقادات، فرهنگ و آداب و رسوم یک قوم است. یکی از منابعی که برای شناخت باورهای دینی و اعتقادات یک قوم می‌توان از آن بهره برد، بررسی آثار ادبی آن‌ها در دوره‌های مختلف است. اظهري شیرازی، یکی از شاعران شیعه در قرن ۱۱هـ.ق بوده و در دربار شاهان صفویه بوده که به دنبال لشکرکشی‌های آن‌ها، به قرا باغ رفته و بر مبنای اشعارش، بیش از بیست سال در آنجا زندگی کرده است. دیوان اشعار او بیش از ۱۰۰۰۰ بیت دارد که نگارندگان این مقاله، آن را تصحیح کرده‌اند. با بررسی و شناخت ویژگی‌های دیوان اظهري، مشخص شد که مطالعه قصاید او می‌تواند نمایانگر بخشی از باورها و اعتقادات آن دوران و افکار و اعتقادات شاعر باشد؛ چنانکه از ۸۳ قصیده دیوان شاعر، ۵۲ قصیده در منقبت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) به ویژه امیرالمؤمنین (ع) است. نگارندگان کوشیده‌اند با بررسی اندیشه‌ها و افکار اظهري در قصاید او، باورهای دینی و مذهبی شاعر را درباره اولیاء الله مشخص کنند.

در این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی مبتنی بر متن قصاید دیوان و منابع اسنادی کتابخانه‌ای، تلاش شده به این پرسش بنیادی پاسخ داده شود که با بررسی قصاید اظهري، کدام مؤلفه‌های اعتقادی و مذهبی وی آشکار می‌شود و اظهري برای تبیین این عقاید از چه شیوه‌هایی استفاده کرده است؟ نتایج به دست آمده حاکی از آن است که اظهري به سبب رسمیت یافتن تشیع در عصر صفوی، اعتقادات و اندیشه‌های مذهبی خود را در قالب قصیده - که مناسب‌ترین قالب برای بیان اندیشه است و شاعر آگاهانه و با قصد قبلی به سرودن آن‌ها پرداخته و اوج هنر شاعری خود را در قصاید خویش به نمایش گذاشته است؛ چنانکه می‌توان گفت قصاید اظهري که نمایانگر ارادت صادقانه وی به خاندان نبوت و امامت به خصوص حضرت علی (ع) و پیروی از آن‌هاست، تجلی‌گاه عقاید مذهبی اوست و تحمیدیه‌نویسی

آغاز دیوان، منقبت‌سرایی برای بزرگان دین، ذکر صفات باطنی و ظاهری ایشان، سوگندنامه‌سرایی، انتخاب نام‌های زیبا برای آن قصاید، به‌کارگیری آرایه‌های زیبای ادبی و تصویرسازی‌های هنری برای توصیف رشادت‌ها و صفات نیکوی ایشان، ازجمله شیوه‌های اظهري برای تبیین این مقصود است. یقیناً اظهارگسترده اعتقادات شیعی شاعر مستقیماً تحت تأثیر حکومت شیعه‌مذهب صفوی است.

۲. معرفی شاعر

بوداق اظهري شیرازی از شاعران شیعه در قرن یازدهم است که تنها در الذریعه چند سطر درباره او آمده است و اطلاعات دیگری از او در دست نیست. دانسته‌های ما درباره وی به آنچه از اشعارش استنباط می‌شود، محدود است. با اینکه درباره تاریخ تولد و وفات اظهري اطلاعات دقیقی نداریم، احتمالاً وی در سال ۹۹۱ ه.ق. متولد شده است. اظهارات شاعر در پایان دیوان، مبنی بر اتمام آن در «زکم قراباغ» در سال ۱۰۵۴ ه.ق. است (رک: اظهري، بی‌تا، ب ۳۳۷) و اشاره وی به ۶۳ سالگی خود: «الحمد لله که در سن شصت و سه سالگی به هواداری عینک... به ترتیب و تحریر این نسخه مبادرت نمود.» (رک: اظهري، بی‌تا، ب ۳۳۶) مؤید این موضوع است.

۳. مذهب شاعر

حضور اظهري در دربار صفویان و اشعار وی، مبین تشیع اوست؛ تعداد زیادی از اشعار او در نعت و منقبت خاندان نبوت به‌ویژه پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) سروده شده است. نکته دیگر اینکه اختصاص دو قصیده از قصاید اظهري با نام‌های «مجموعه معرفت» و «معشوقه غربت» به امام عصر (عج) و انتظار فرج، مهر تأییدی است بر اینکه اظهري از بین فرقه‌های تشیع، به شیعه دوازده‌امامی اعتقاد داشته است. همچنین در قطعات ۲۰۶ و ۲۰۷ دیوانش به توصیه کتاب دارشاه، در پاسخ به فردی که در مجلس بزرگان قلعه تفلیس او را

اهل سنت دانسته، آشکارا تشیع خود را اظهار و اعتراض می‌کند:

من که از شیعه فطیم، تو گویی سنی

تو که سنی تمامی، شده‌ای شیعه مثال؟

(قطعه ۴/۲۰۶)

و با اشاره به غیبت صاحب الامر (عج) رنج انتظار آن حضرت را مطرح می‌کند:

به غایبی که نهان تا شده است در عالم

نموده خون، دل خلقی ز حسرت دیدار

(قصیده ۲۲/۸۰)

ز جور هجر تو دیگر نماند چاره مگر

بَرَم شکایت و بوسم رکاب مهدی را

(قصیده ۱۲/۴۹)

۴. رساله کمال اظهری و ساختار آن

تنها اثر به جامانده از اظهری، دیوان اشعار اوست که که خود آن را رساله کمال نامیده است. این دیوان شامل قالب‌های مختلف شعری قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی و دو مقدمه منشور در آغاز بخش قصاید و غزلیات و یک ترقیمه است: «و تنظیم رساله کمال به توفیق صانعی که مجمع طراز اقسام و انواع گهر عالم و چهره پرداز اجسام و اشخاص صور بنی آدم است» (اظهری، ۲). آ.

با اینکه شاعر گفته که به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سروده، ولی فقط دیوان

فارسی او در دسترس است:

دیگران با یک زبان بردند معنی را به اوج

هست در طرز سخن با دو زبان گفتار من

فارسی خود سرم با انوری هم گفت و گوست

ترکی ام از بوالفضولی با فضولی هم سخن

(قطعه ۲۱۴: ۱ و ۲)

۵. قصاید اظهري

دیوان اظهري با دیباچه پنج‌برگی منشور آغاز می‌شود که به سنت قدما، تحمیدیة رساله کمال او است. پس از آن، قصاید شاعر قرار دارند. از آنجاکه شاعر در قصیده اغلب به شخص و مقصودی معین توجه دارد، آن را قصیده یعنی مقصود نامیده‌اند. به دلیل وجوب رعایت جنبه‌های بلاغت و جزالت کلام، قصاید هر شاعر نشان‌دهنده قوت طبع و توانایی اوست (همایی، ۱۳۷۷: ۱۰۴)؛ از این روست که اظهري نیز باورها و اندیشه‌های مذهبی خود را در قصاید خویش مطرح می‌کند. اولین قصیده او تحمیدیة‌ای است که با این بیت آغاز می‌شود:

ای عاجز از حدیث تو طبع سخن سرا

ای مانده در گره ز تو عقل گره‌گشا

(قصیده ۱: ۱)

اظهري در مجموع، ۸۳ قصیده در متن و حواشی دیوان خویش آورده است که روی هم رفته، ۳۴۰۲ بیت از دیوان اشعارش را در برمی‌گیرد. شاعر در قصاید خود به نعت خدا و پیامبر^(ص)، منقبت امیر مؤمنان^(ع) و ائمه اطهار^(ع)، مدح شاهان صفوی به ویژه شاه عباس و بزرگان دربار آن‌ها پرداخته و در بین قصاید خود افزون بر درونمایه اصلی،

از مضامینی چون مفاخره، بٹ شکوی، سوگندنامه، مرثیه و... نیز استفاده کرده است. اظهري در اولین قصیده خود به شیوه تحمید، خدا را به یکتایی ستوده است. او ۱۷ قصیده بعدی را به نعت پیامبر و ۳۳ قصیده دیگرش را نیز به منقبت ائمه^(ع) اختصاص داده است. همچنین ۲۵ قصیده در مدح شاه عباس اول، سه قصیده در شکایت از روزگار و مردم زمانه، دو قصیده در رثای اعضای خانواده اش، یک ماده تاریخ، یک قصیده با مضمون مناجات با خداوند در پایان دیوان و قصیده ای با نام «جامع المناقب» در منقبت چهارده معصوم^(ع)، حضرت خدیجه^(س) و بسیاری از پیامبران و اولیای الهی سروده است. بدین ترتیب رایج ترین مضمون قصاید اظهري، منقبت معصومان^(ع) است. نکته دیگر اینکه وی ۷۴ قصیده از قصاید خویش را نامگذاری کرده است که ۵۱ قصیده اعتقادی او نیز از این جمله اند. این نامها با موضوع قصاید مناسب دارند و براعت استهلال گونه، مخاطب را به مضمون قصاید راهنمایی می کنند:

جدول ۱

موضوع	شماره قصیده	نام قصیده
توحید، تحمید و مناجات	۱ و ۸۰	التوحید موسوماً به ورد الابرار؛ ارواح الابدان (مناجات عز اسمه).
منقبت پیامبر اکرم ^(ص)	۲ تا ۱۸	بی نام؛ ضیاء القلوب؛ منتخب النفايس؛ مجمع النوادر؛ تحفه خیال؛ امواج البحار؛ فخر المساکين؛ افتخار الملوك؛ نزهت الارواح؛ تسکين القلوب؛ ملح الکلام؛ تحفة الاغنيا؛ مفرح الفؤاد؛ کنز العارفان؛ حبيب الجنان؛ هادی المساکين؛ نغمات الطيور.

موضوع	شماره قصیده	نام قصیده
منقبت امیر مؤمنان، علی ^(ع)	۱۹ تا ۴۴	زیب المجالس؛ نطق اللسان؛ انوار العیون؛ مشفق القلوب؛ کمر بند وحدت؛ لهب الخیال؛ بحار المعرفة (در ایام طفولیت گفته شد)؛ گنجینه وحدت؛ مطلع الشمس؛ ریاض الجنان؛ سحاب الامطار (در ایام طفولیت گفته شد)؛ شاهد المجالس؛ سرور القلب؛ بحر الال؛ جام جهان نمای؛ طلیعه اقبال؛ نسخه الاشرار؛ کنز الاسرار؛ حدیقه الخیال؛ مرآت الشمال؛ حصول المقاصد؛ ابکار الافکار؛ شارح الشوق؛ زیب الانفاس؛ قانون المعرفة؛ مراتب العقول.
امام حسن ^(ع)	۴۵	کنز المعانی (امام المؤمن امام حسن ^(ع)).
امام حسین ^(ع)	۴۶ و ۷۹	شرح النوائب و مجمع البحرین (امام المتقین امام حسین ^(ع)).
امام رضا ^(ع)	۴۷	سیاحه الاورنگ (امام الاتقیاء علی بن موسی الرضا ^(ع)).
امام زمان ^(عج)	۴۸ و ۴۹	مجموعه معرفت (صاحب الامر ^(ع))؛ معشوقه غربت (صاحب الامر علیه التحیه و الثناء).
چهارده معصوم ^(ع)	۵۰	جامع المناقب (در مناقب ائمه المعصومین سلام الله علیهم اجمعین).

اظهري در قصاید خود، سوگندنامه های زیبا و مفصلی هم سروده است (احمدی دارانی، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۵). وی با سوگندهای متعدد خداوند به اولیای دین، عناصر طبیعت و دیگر موجودات، خواستار دوری از خشم خدا و بخشش گناهانش می شود. این مضمون در قصاید ۵، ۲۹، ۵۰، ۸۰ (۴۹ بیت) و ۸۱ اظهري دیده می شود؛ مثلاً در قصیده ۵، با ۲۲ بار سوگند دادن خداوند به عناصر طبیعت، امان از خشم خدا را می طلبد:

به قمری ای که نماید به لاله داغ درون

به بلبلی که فروشد به غنچه خون جگر...

گشای عقده خشم از جبین خویش به لطف

که هان شدم گهرافروز نعت آن سرور

(قصیده ۵: ۳۷ و ۴۴)

در قصیده ۵۰ نیز ۱۸ بار برای بخشش گناهانش، خدا را به چهارده معصوم و انبیاء^(ع) سوگند می دهد که این موضوع، در قصاید ۷۲، ۷۳ و ۸۰ اظهاری نیز تکرار شده است:

به ساکنان سماوات و عالم ملکوت

به انبیای اولوالعزم و سید الابرار...

به روز آخرتم رحمت تو می داند

هر آنچه می کندم خوش تراست در همه کار...

(قصیده ۸۰: ۵ و ۵۵)

۶. بررسی محتوایی قصاید اظهاری

مذهب تشیع و رسمی شدن آن در ایران، موجب رواج قصیده سرایی در ستایش اهل بیت^(ع) شد؛ از این رو قصیده های فراوانی در این دو سده سروده شد و تقریباً همه شاعران این دوره در این قالب طبع آزمایی کرده اند. اظهاری هم که از شاعران دربار شاه عباس و شاه صفی بوده، قصایدش را در سه بخش نعت پیامبر^(ص)، منقبت ائمه^(ع)، مدح شاه عباس و درباریان سروده است. وی ۵۲ قصیده از ۸۳ قصیده دیوانش را به تبیین موازین اعتقادی و مذهبی خود اختصاص داده است. همچنین دو قطعه در رثای سالار شهیدان دارد و در دیگر قالب های شعری اش هم از این مضامین برای خلق آرایه تلمیح استفاده کرده است.

قصیده بیش از دیگر قالب‌های شعری، انعکاس‌دهنده اندیشه‌های شاعر است. فراوانی قصاید مذهبی اظهري هم مؤید این نکته است و با بررسی آن‌ها، می‌توان به اندیشه‌های شیعی شاعر پی برد:

جدول ۲

توحید و مساجات	پیامبر ^(ص)	امیر مؤمنان علی ^(ع)	امام حسن ^(ع)	امام حسین ^(ع)	امام رضا ^(ع)	امام زمان ^(عج)	جامع المناقب
۲	۱۷	۲۶	۱	۲	۱	۲	۱

۶-۱. تحمید در قصاید اظهري

شاعران و نویسندگان با تکیه بر این سخن پیامبر^(ص) «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَهُوَ أَقْطَعُ أَبْتَرُ، مَمْحُوقٌ مِنْ كُلِّ بَرَكَةٍ (متقی هندی، ۱۴۲۴: ش ۲۵۱) از دیرباز اشعار و متون خود را با نام پروردگار آغاز کرده‌اند؛ از این رو آثار گذشتگان، با هر موضوع و محتوایی، در قالب نظم یا نثر، با تحمیدیه آغاز می‌شود و ادبا می‌کوشند اوج هنرنمایی خود را در این بخش متجلی سازند.

تحمید در اصطلاح ادبی، حمد خدا و ذکر نام و ادای احترام به پیامبر اسلام^(ص) در صدر خطبه‌ها و دیباچه کتاب‌هاست (دهخدا، ۱۳۷۶: ذیل نحמיד). تحمیدیه نمونه‌های کامل نثر مسجع، فنی و مصنوع و در عین حال، تابع سبک نثر هر دوره است. به طور کلی، دیباچه کتاب‌هایی که در صدر آن تحمیدیه آمده است، در مقایسه با متن کتاب، از حیث نگارش شیوه پخته‌تر و آراسته‌تری دارند. حتی در مقدمه کتاب‌هایی که نویسنده قصد جمله‌پردازی و استعمال صنایع لفظی را ندارد، عبارات

و واژگان زیباتر و پرورده‌تر است. دانشمندان مسلمان ایرانی در آغاز آثارشان، ابتدا بر پایه مفاهیم قرآن و احادیث و سپس به کمک اصطلاحات خاص آن فن، تحمیدیه‌ای نوشته‌اند (ستوده و بارفروش، ۱۳۶۶: ۷).

اظه‌ری نیز دیوان خود را با دیباچه‌ای منشور در نعت پروردگار، منقبت پیامبر^(ص) و ادای احترام به امیر مؤمنان^(ع)، آغاز کرده است تا با پیروی از سنت پیشینیان، از ابتدا مبانی اعتقادی خویش را برای مخاطب آشکار کند. از این رو ابتدا خداوند را به یگانگی می‌ستاید: «افتتاح ابواب خزاین سخن به مفتاح دلگشای ثنای یگانه‌ای که شیرازه‌بند مجموعه کائنات و چمن‌پیرای سرابستان حیات است...» (اظه‌ری، بی‌تا: ب۱). در ادامه به نعت پیامبر^(ص) می‌پردازد: «درود نامحدود ایثارِ قبه بارگاه خجسته شهریار خطه کونین، پادشاه عرصه ثقلین، قاسم خزائن رحمت، فاتح ابواب جنت، صدرنشین صفة کائنات، آفتاب اقلیم حیات...» (همان: ب۲). سپس سخن خود را با منقبت امیر مؤمنان^(ع) ادامه می‌دهد:

«سپاس بی‌قیاس بر فرمان‌فرمای مسند ولایت و قافله‌سالار رهروان هدایت و والی اقلیم عظمت و جلال و صاحب اعلام کرامت و افضال، نکته‌افروز دیهیم خسروی، کله‌گوشه‌پرداز افسر سروری، دیباچه‌پرداز مجموعه دین، زینت‌افزای بساط عز و تمکین، خورشید افق امامت، خسرو کشورگشای کرامت، انتخاب مجموعه کائنات» (همان: ب۲).

او از خداوند برای خویش علو درجه و برای اشعار لطیفش جاودانگی می‌خواهد:

«الهی این شمع برافروخته خورشیدلگن را که در آذرکده کمال منور ساخته و این گلدسته دلفریب زمن را که از گل باغچه خیال به هم پرداخته است... از قدح قادحان بی‌شرم و طعن طاعنان بی‌آزم مصون و این درج گهر و گنج درر گرانمایه را از دست تطاول ایام و اثر گردش چرخ نافرجام محفوظ و محروس دار» (همان: ب۵).

پس از آن، قصاید دیوانش را با قصیده‌ای با نام «التوحید موسوماً به وردالابرار» آغاز و یگانه‌پرستی خود را اثبات کرده است. اظهري بارها اشاره کرده که انسان جز در توحید و ستایش خدا و استغفار نباید سخن بگوید:

جز به توحید الهی نگشایم لب خویش

گر زرم دم به غلط، باز کنم استغفار

(قصیده ۳۲/۱۸)

مهیمننا و کریمنا به حقّ حضرت تو

که هیچ حرف ز وصف تو نیست بالاتر

(قصیده ۲۹/۵۰)

اظهري عقیده دارد تسبیح و تنزیه حق چنان مقام و مرتبتی به انسان می‌بخشد که تمام عناصر عالم در برابر او فروتنی می‌کنند:

جهان به نزد جلالت ز ذره‌ای کوچک

فلک ز بحر نوالت ز قطره‌ای کمتر

(قصیده ۳۰/۵۰)

و در این عالم، تنها پناه و حامی انسان معبود یکتاست:

خرچنگ، ازدهای دوسر شد برای من

جز فضل کردگار نباشد مرا پناه

(قصیده ۱۳/۱۱)

۶-۲. منقبت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)

اظه‌ری در بین ۵۲ قصیده اعتقادی خویش، بارها از خدا طلب یاری و بخشش کرده و در بین مناقب خود، فضائل اولیای دین را نیز تبیین کرده است. از جمله آن‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۳

فضائل معصومین (ع)	
نداشتن سایه، حُسن خلق، زیبایی و شمایل نیکو، خاتم پیامبران، شفاعت و...	پیامبر (ص)
وصایت، عدالت، شفاعت، شجاعت، سخاوت و...	امیر مؤمنان (ع) و فرزندان‌شان

۶-۲-۱. فضائل پیامبر اکرم (ص)

اظه‌ری در شعر خویش بارها به صفات پیامبر (ص) از جمله جذابیت‌های ظاهری و باطنی ایشان (رک: مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۶: ۱۴۸-۱۷۱) و همچنین ویژگی‌های خاص آن حضرت، مثل آفرینش ایشان از نور خاص و نداشتن سایه، اشاره کرده است. چنان‌که ابن جوزی از قول ابن عباس نقل می‌کند: «لَمْ يَكُن لِرَسُولِ اللَّهِ ظِلٌّ وَلَمْ يَقُمْ مَعَ الشَّمْسِ قَطُّ إِلَّا غَلَبَ ضَوْؤُهُ ضَوْءَ الشَّمْسِ وَلَمْ يَقُمْ مَعَ سِرَاجٍ قَطُّ إِلَّا غَلَبَ ضَوْؤُهُ عَلَى ضَوْءِ السِّرَاجِ» (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۴۱۲). اظه‌ری این ویژگی را به زیبایی به تصویر کشیده است:

سربه سر نوری اما نکنی سایه پدید

نیستی گرچه خدا، نیست ولی بر تو عدیل

(قصیده ۲۲/۳)

اظهري بارها در توصيف شمایل پیامبر^(ص) به حُسن عارض، خوش قامتی، نفوذ نگاه و... آن حضرت اشاره کرده است:

رخساره تو شکست خورشید

خال سیه تو رشک انجم

(قصیده ۷/۱۲)

ذکر هوس قدت تحسّر

یاد نمک لب تَنَعَم...

(قصیده ۸/۱۲)

خُلِقَ نیکوی رسول خدا^(ص) در آیه «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) و همچنین حدیث خود ایشان «أَنْتَ بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (متقی هندی، ۱۴۲۴، ج ۱۱: ۴۲۰؛ مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۶۷: ۳۷۲) تبیین شده است. نکته مهم، قاطعیت آن حضرت با کفار و مهربانی ایشان با مؤمنان بود: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹). اظهري به زبان تصویر این گونه سروده است:

ز مهربانی خُلق عمیم تو نشست

به دامن دلِ هیچ آفریده گرد ملال

(قصیده ۲۱/۱۷)

لطف عام تو شود خلق جهان را حامی

خُلق خاص تو بُوَد خسته - دلان را تیمار

(قصیده ۶۵/۱۸)

سخنان منطبق بر وحی الهی: رسول^(ص) جز بر مبنای وحی الهی سخن نمی گوید

که «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳ و ۴)؛ از این رو آسمانیان هم مشتاق شنیدن آن‌ها هستند:

در ره نذر ملاقات غزال سخنت

چرخ می‌پرورد از ثور و حمل قربانی

(قصیده ۱۷/۱۴)

اظه‌ری به شکوه و عظمت پیامبر^(ص) ایمان دارد:

هنگام دیدن تو سراسیمه می‌شود

از هول کبریای تو در دیده‌ها نگاه

(قصیده ۲۱/۱۱)

احتساب ورعت بانگ چو بر ساززند

نغمه بیرون نهد پا ز پس پرده‌تار

(قصیده ۵۴/۱۸)

برتری مقام پیامبر^(ص) بر انبیا و فرشتگان مقرب الهی: حضرت رسول^(ص) خود در این باره می‌فرمایند: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسَعُهُ مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۸، باب ۱۸: ۳۶۰) و بازماندن جبرئیل از همراهی آن حضرت در مراحل پایانی معراج هم مؤید این موضوع است:

به فضل خویش خدا آفریده‌ات ز ازل

بر انبیا همه تفضیل داده او افضال

(قصیده ۴۹/۱۷)

یک نشان از سخط کفر گدازنده توست

عقده لازمه ناصیه عزرائیل

(قصیده ۱۶/۳)

یک نسیم از نفس روح فزاینده توست

اثر زمره صور دم اسرافیل

(قصیده ۱۷/۳)

به رحمتت دل جبریل می برد حسرت

کند چنان که یتیم آرزوی مهر پدر

(قصیده ۵۸/۵)

وارستگی از دنیا: پیامبر اسلام^(ص) ذره‌ای به دنیا دل‌بستگی نداشتند و مدت زیادی هم زندگی نکردند:

کرد از عالم دون زود سفر زانکه نداشت

طاعت همّت او حوصله چرخ بخیل

(قصیده ۹/۳)

خاتم پیامبران: خداوند رسول اکرم^(ص) را به پیامبری برگزید و اکمال آفرینش و عقل کل، مرهون وجود ایشان است:

صاحب تخت رسالت که ز آغاز جهان

عقل کل یافته از فیض وجودش تکمیل

(قصیده ۶۶/۳)

خداوند او را خاتم الانبیا نامیده: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب: ۴۰): «محمد پدر هیچ کس نیست از مردان شما؛ لکن رسول خداست و مهر پیغامبران» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۵۸).

سرهنگ جهان ختم رسل احمد مرسل

کز خاک درش گوهر، احسانِ سحاب است

(قصیده ۱۸/۹)

اظهری با ذکر صفاتی مانند: شفیع، هادی، عادل و... برای پیامبر^(ص)، پیروان ایشان را به پیروی از آن حضرت فرامی خواند:

صدر جهان شفیع امم هادی رسل

کز باغ خُلق اوست گلی گلشن نعیم

(قصیده ۱۰/۸)

خواجه ثقلین از دیگر صفات پیامبر^(ص) است که اظهری براساس حدیث «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْزِي أَهْلَ بَيْتِي...» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۳۳) به فراوانی آن را به کار برده است:

همیشه تا به زوایای عالم ملکوت

کنند فخر، ملائک به سید ثقلین

(قصیده ۲۶/۷۹)

پایمرد و شفیع گمراهان است:

دستگیر هر ز پا افتاده روز جزا

کیست جز مسندنشین یثرب و بطحای من

(قصیده ۴۹/۱۳)

نام ایشان مایه آفرینش آفاق است:

بود همچنين از شرف نام عالیش

به عنوان تویع آفاق، طغرا

(قصیده ۵۵/۲)

رسول خدا^(ص) که در آفرینش جسمانی آخرین پیامبرند، از نظر رتبت و آفرینش روحانی، اولین پیامبر و نخستین موجودند:

سردفتر انبیا که عدلش

بر چرخ برین کند تحکم

(قصیده ۱۱/۱۲)

اظهري در قصايد خود، ضمن نعت پیامبر^(ص) و ابراز ارادت خود به ایشان، آن حضرت را مایه استجاب دعا، عزت و گسترش اسلام و مایه آبادانی دو جهان می‌داند:

صاحب تخت نبوت، افتخار کائنات

مسند آرای شریعت، قبله حاجات ناس

(قصیده ۹/۴)

نه فلک را به وجود تو بود معموری

دو جهان را بود از فضل تو آبادانی

(قصیده ۲۸/۱۵)

۶-۲. فضائل حضرت علی^(ع) و فرزندان ایشان

اظهري با ارادت ویژه به امیر مؤمنان^(ع) و فرزندان ایشان، می‌کوشد ذره‌ای از عظمت آن‌ها را تبیین کند. وی حضرت علی^(ع) را بعد از پیامبر^(ص) برگزیده خداوند می‌داند و

معتقد است که در اخلاق و صفات، از برترین آفریده‌های الهی است:

نسیم گلشن خُلقت زدشت چین بگذشت

دمید غنچه نافه، غزال را از ناف

(قصیده ۲۸/۲۰)

گردلم لب به لب چشمه خضر است که باز

تشنه خاکِ در خسرو گردون حشم است

(قصیده ۱۴/۳۱)

اظه‌ری، حضرت علی^(ع) را صاحب و کاشف اسرار، دافع الشر، قاطع البرهان، یدِ الهی، تسلیم در برابر حق و رسول خاتم^(ص)... و در یک کلام، انسان کامل می‌داند و در نهایت، با اظهار عجز در بیان این همه عظمت می‌گوید:

دافع الشر و قاطع البرهان

صاحب السرّ و کاشف الاسرار

(قصیده ۲۰/۲۲)

موسیٰ طورِ نجف، آب رخ باغ نعیم

که گل برق تجلی بودش شمع مزار

(قصیده ۸۵/۲۸)

نفوذ سخن و فصاحت و بلاغت امیر مؤمنان بر همگان مبرهن است. تاجایی که کلام ایشان را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۹۳: ۲۵).

به غیر نقل تو دیگر حدیث راسخ نیست

بود کلام خدا آنچه از تو شد منقول

(قصیده ۱۵/۴۴)

چو کوشد در ثبوت مدعایی

دم جبریل آید در گواهی

(قصیده ۸/۴۳)

امام حسن^(ع) که یکی از دو گوشواره عرش الهی است، در شعر اظهري مایه امیدواری پیامبر^(ص) توصیف می شوند:

کنم شروع به وصف حسن امام بحق

که شد ز شربت زهرش لب شهادت تر

(قصیده ۲/۵۰)

که هست یک گهري از دو گوشواره عرش

گل بهشت امید نبی امام حسن

(قصیده ۱۵/۴۵)

امام حسین^(ع) زینت زمین و آسمان و در نهایت بخشندگی هستند:

بهار خال و خط تو دهد جهان را زیب

شرار آتش عشقم دهد فلک را زین

(قصیده ۸/۷۹)

برگشاید دست بخشش گر به اهل احتیاج

افکند ظل کفش هر سو بساط گوهری

(قصیده ۲۸/۴۶)

بارگاه امام رضا^(ع)، جایگاه خیل ملائک است:

بانی شرع محمد، علی بن موسی

که کنندش همه جا خیل ملک پیش آهنگ

(قصیده ۱۲/۴۷)

واسطه فیض الهی برای عرشیان و فرشیان هستند:

آن چنان ضامن رزق است که بط در دل آب

روزی خویش برون آورد از کام نهنگ

(قصیده ۱۴/۴۷)

نخستین مرحله دعوت پیامبر^(ص)، با دعوت عشیره آن حضرت آغاز شد. پیامبر^(ص) به فرمان الهی «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا: ۲۱۴) خویشان خود را جمع و رسالت خود را اعلام نمودند و فرمودند: «فَأَيُّكُمْ يُوَازِرُنِي عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيَّ أَنْ يَكُونَ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶، ج: ۱، ۱۱۱). از بین خویشان، تنها علی^(ع) برخاست و گفت: «من یا رسول الله» و این سخن تا سه بار تکرار شد. آن گاه پیامبر^(ص) فرمودند: «هذا اخي و وصيي و خلیفتی فیکم». حدیث وصایت پیامبر^(ص) «لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ وَوَارِثٌ وَإِنَّ عَلِيًّا وَصِيِّي وَوَارِثِي» (صدوق، ۱۴۱۳، ج: ۴، ۱۸۰) نیز تبیین کننده این موضوع بوده که اظهري نیز به آن اشاره کرده است:

امام مشرق و مغرب، خدیوملت و ملک

علی وصی نبی برگزیده قدوس

(قصیده ۱۳/۱۹)

سرور اولیا، وصی نبی

شاه کونین، حیدر کزار

(قصیده ۲۱/۲۲)

۶-۲-۱. ولایت علی^(ع)

پیامبر^(ص) فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً» (صدوق، ۱۳۹۵ ه.ق، ج ۲: ۴۱۰) و با این حدیث به امت خویش ضرورت شناخت امامشان را تأکید کردند. آیات ولایت، تبلیغ، تطهیر و احادیثی چون ثقلین، منزلت، سفینه، انذار و احادیث دیگر، ادله اثبات ولایت و امامت امیر مؤمنان^(ع) هستند:

شه سپهر ولایت، علیّ عالی شأن

که نزد گلشن لطفش ارم بود اعراف

(قصیده ۲۰/۲۰)

والی ملک ولایت، علی عالی قدر

که بود وارث اورنگ خلافت ز قدم

(قصیده ۲۶/۳۸)

عدالت و در عین حال مرحمت امیر مؤمنان^(ع) نیز در شعر اظهري تجلی یافته است:

لواى معدلتش زهر ظلم را ترياق

دواى مرحمت او سقيم را سرمق

(قصیده ۲۴/۲۱)

وقوف به اسرار الهی از صفاتی بوده که اظهري برای علی^(ع) بیان کرده است:

نکات سرّ الهی درون سینه او

چنان بود که حروف لغات در قاموس

(قصیده ۱۴/۱۹)

۶-۲-۲. شجاعت حضرت علی^(ع):

علی وصی نبی، پشت لشکر اسلام

که گشته در کرمش کائنات مستغرق

به قلعه ای که شبیخون برد مهابت تو

نه باره آید آنجا به کار و نی خندق

(قصیده ۲۰/۲۱ و ۲۶)

۶-۲-۳. احسان و بخشندگی و وارستگی امیر مؤمنان^(ع):

به عقیده اظهري، علی^(ع)، نماد قدرت حق در زمین و فضل الهی است که نه تنها اسیر لذت های مادی نشد، بلکه پیوسته حامی محرومان بود:

نقد صد گنج به هر سائل دل خسته فشاند

بود دستش ز پی قطع ملاقات درم

(قصیده ۳۴/۳۸)

هیچ کس نیست که شرمنده احسان تو نیست

منت جود تو تا روز جزا بر کرم است

(قصیده ۲۵/۳۱)

در لذت کام خود نکردی

یک لقمه این جهان تناول

(قصیده ۲۹/۳۶)

۶-۲-۴. علم وصف ناشدنی امیر مؤمنان^(ع):

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۴، باب ۹۱: ۸۷)

والی ملک ولایت علی عالی قدر

که بود وارث اورنگ خلافت ز قدم

... بُوَد آن عالم کونین که در جمله علوم

جز خدا غیر رسول از همه باشد اعلم

(قصیده ۲۶/۳۸ و ۳۰)

شجاعت و عدالت امام حسن^(ع) نیز از صفات آن حضرت در شعر اظهري است:

ملک ز روز ازل در لباس دوزی خلق

بریده بر قد خصمش به جای جامه، کفن

(قصیده ۱۶/۴۵)

ز حفظ عدل تو نتواندش رساند ضرر

اگر به برق گذاری حراست خرمن

(قصیده ۲۳/۴۵)

اظهري جاذبه و دافعه، عزت و مقام، شجاعت و کمالات امام حسین^(ع) را چنین توصیف می‌کند:

گر شراری ز آتش خصمش شود گیتی فروز

دستگاه نه فلک تنگ آیدش از مجمری

(قصیده ۶/۴۶)

اسیر مدرس فضلت هزار افلاطون

غلام پایه جاهت هزار ذوالقرنین

(قصیده ۱۴/۷۹)

اظه‌ری در توصیف عدالت و هیبت امام رضا^(ع) این‌گونه سروده است:

کبک در کوه به آوازهُ سور عدلت

از حنای جگر باز کند ناخن، رنگ

(قصیده ۱۷/۴۷)

چشم اعدای تو از بس که کند گریه ز بیم

در ته آب رود شیر فلک چون خرچنگ

(قصیده ۲۳/۴۷)

۳-۶. تصویرسازی

با بررسی قصاید اعتقادی اظه‌ری مشخص شد که شاعر برای زیبایی کلام و اثرگذاری بیشتر بر مخاطب، در این قصاید از تصاویر و آرایه‌های ادبی به فراوانی استفاده کرده است. به برخی از این موارد اشاره می‌شود. او برای انجام وظیفه در برابر اولیاءالله و آرایش سخن، مناقب خود را به دو شیوه حماسی و غنایی بیان کرده است.

۳-۶-۱. منقبت حماسی (به ترتیب در توصیف پیامبر^(ص) و امام رضا^(ع))

هنگام غزا در بر تمساح سنان

در عتن اعدای تو چون جوشن آب است

(قصیده ۲۳/۹)

آن که در صیدگه معدلش سُمّ غزال
خون گشاید به گه صید ز جنگال پلنگ

(قصیده ۱۳//۴۷)

۲،۳،۶. منقبت غنایی (به ترتیب در وصف امیر مؤمنان^(ع) و امام زمان^(عج))

نیابد به عهد تو مژگان نرگس
به هم چون لب غنچه از شادمانی

(قصیده ۷۱/۲۹)

مگر به دست شکرخند و زهرِ چشم تو داد
قضا عنان بقا و زمام فانی را

(قصیده ۲۱/۴۹)

از بین آرایه‌های بدیعی و بیانی، قدرت شعری اظهري را می‌توان در به‌کارگیری انواع
برجسته تشبیه، استعاره‌های مکنیه (شخصیت‌بخشی)، حُسن تعلیل، تمثیل،
تناسب، تضاد و تلمیح با بسامد بالا مشاهده کرد.

۳-۳-۶. اشاره به وقایع دوران پیامبر^(ص)

افزون بر تلمیح و اقتباس‌های متعدد به آیات و داستان‌های قرآنی و احادیث معصومان^(ع)،
اشاره به بعضی از وقایع دوران پیامبر^(ص) مثل جنگ‌ها و معجزات آن حضرت در بین اشعار
اظهري جلوه خاصی یافته است. برخی از این موارد بدین قراست:

۳-۳-۱. اشاره به فتح مکه و پاکسازی خانه کعبه

تلمیح به فتح مکه و بالارفتن حضرت علی^(ع) از شانۀ پیامبر^(ص) و شکستن بت‌های

داخل کعبه به دستور حضرت رسول (ص) (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۱۷۴).

ویران کنِ سومنات کفار

برهم زنِ دین بت پرستان

(قصیده ۲۵/۴۲)

۶-۳-۲. اشاره به معجزه شق القمر

شکافتن ماه (شق القمر) یکی از معجزات پیامبر (ص) در برابر درخواست مشرکان است. بدین ترتیب که بنا بر روایات پیامبر (ص) ماه را در آسمان به دو نیمه کردند و سپس فرمان دادند تا به حالت عادی برگردد (طوسی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۴۴۳؛ و تفاسیر سوره قمر: ۱).

چه سرور آن شرف امت و شفیع امم

که از هلال سرانگشت اوست شق قمر

(قصیده ۴۵/۵)

۶-۳-۳. اشاره به معراج پیامبر (ص)

می رفت به عرش با براقش

بر خاره نگفت زان لبش قم

(قصیده ۱۳/۱۲)

در شب فرخ معراج چو ماه و خورشید

گشت از نعل براقش دو جهان نورانی

(قصیده ۲۵/۱۶)

۴-۶. توصیه‌های اعتقادی شاعر

اظهري، قدرت کلامش را در خدمت دین خویش قرار داده و کوشیده است تا اخلاص و ارادت خود را به ائمه اطهار^(ع) اظهار کند؛ از این رو در لابه لای منقبت‌های خویش، توصیه‌هایی هم به شکل خطاب النفس به خود و دیگران دارد:

۴-۶-۱. توکل بر فضل الهی

به لطف شامل او کار خویشتن بگذار

که بر تو رحم خود از فضل، کردگار کند

(قصیده ۴۸/۱۶)

۴-۶-۲. تقید به دین اسلام

نیست راهی غیر دین احمد مرسل مرا

این بود آیین اگر پنهان اگر پیدای من

(قصیده ۴۸/۱۳)

۴-۶-۳. اعتماد به رحمت الهی

از آن کنم طلب هر مراد خویش از تو

که هست از طلب من عطایت افزون‌تر

(قصیده ۷۰/۵۰)

۴-۶-۴. اعتقاد به ولایت

پیامبر^(ص) فرمودند: «عَنْ جَبْرِئِيلَ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: وَلايَةُ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَدَائِي» (صدوق، ۱۳۷۸ هـ. ق، ج ۲: ۱۳۶). اظهري نیز اعتقاد به ولایت را اساس ایمان می‌داند:

به غیر تابع تو نیست در جهان مؤمن

به غیر پیرو تو در زمانه نیست عدول

(قصیده ۲۱/۴۴)

همچنین حدیث «وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي» (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۹: ۵۳۷) نیز نشان دهنده جایگاه امیر مؤمنان^(ع) در بقای اسلام، پس از رسول اکرم^(ص) است.

۵-۴-۶. لزوم رعایت ادب در پیشگاه اولیاء الله

در این حدیث زبان ادب نگه می دار

تو کیستی که شوی همچونین ثناگستر

(قصیده ۲۶/۵۰)

۵-۶. ذکر اسامی و القاب خاندان نبوت و امامت

ظهیری نام و القاب پیامبر^(ص) را بارها در اشعارش به کار برده است:

محمد عربی آن که از کمال علو

به آفرینش او ایزد افتخار کند

(قصیده ۱۱/۱۶)

به ساکنان سماوات و عالم ملکوت

به انبیاء اولوالعزم و سیدالابرار

(قصیده ۵/۸۰)

ظهیری از بین همسران پیامبر^(ص) تنها از حضرت خدیجه^(س) نام برده و از دختر ایشان با نام های فاطمه^(س) و بتول و عبارت زوجه ولی خدا (قصیده ۱۱/۴۴) یاد کرده است:

به حق ذات نبی و خدیجه کبری

که شد ز فیض نخستین رسول راهمسر

(قصیده ۳۱/۵۰)

به حق فاطمه آن زوجه ولی خدا

که از تجمل دنیا نداشت یک زیور

(قصیده ۳۲/۵۰)

اظهري القاب و عناوين متعددی مانند سيد المؤمنين، ولي الله، امير المؤمنين (کلینی، ۱۳۷۷، ج: ۱: ۴۱۲)، سيد الوصيين (صدوق، ۱۳۹۵ هـ. ق، ج: ۴: ۱۷۵)، ابوتراب (امینی، ۱۳۹۱، ج: ۶: ۳۳۷) و... را که در کتاب‌های معتبر اهل سنت و شیعه آمده، به همراه مترادفات آن‌ها بارها برای امیر مؤمنان^(ع) به کار برده است:

۶-۵-۱. امیر مؤمنان^(ع)

شاه نجف، سپهر عدالت، محیط علم

شاهین روز معرکه و شهنسوار چرخ

(قصیده ۸/۲۶)

خسرو آفاق، سرخیل گروه اهل دین

آن‌که ایزد حیدرش می خواند، احمد بوتراب

(قصیده ۱۵/۳۳)

۶-۵-۲. امام حسن^(ع)

گشای لب به مدیح امام ملت و مُلک

نبد ز خویش دفاع کن در این سرای کهن

(قصیده ۱۲/۴۵)

۶-۵-۳. امام حسین^(ع)

کعبه ثانی حسین بن علی آن کاو برد

پرتو رایش گرو ز آیینۀ اسکندری

(قصیده ۲۵/۴۶)

۶-۵-۴. امام رضا^(ع)

بانی شرع محمد، علی بن موسی

که کنندش همه جا خیل ملک پیش آهنگ

(قصیده ۱۲/۴۷)

۶-۵-۵. امام زمان^(عج)

ز بهر آن شه غایب که از کجا آید

چو اظهری شده اند منتظر به راهگذر

(قصیده ۲۵/۵۰)

۶-۶. اقرار به ناتوانی در وصف اولیای دین

از ظهور اسلام تاکنون، ادبای زیادی به منقبت اولیاء الله پرداخته اند و به ناتوانی خود

در این امر اقرار کرده‌اند. اظهري هم با ۲۲۳۶ بیت از ۳۴۰۲ بیت قصاید منقبتی‌اش، به ناتوانی خود در این امر اعتراف کرده است:

کی سزد در فکر و وصف تو طبع اظهري
کیمیای لطف تو شاید طلا سازد نحاس

(قصیده ۲۵/۴)

۶-۷. **افتخار به منقبت‌گویی معصومان**^(۴) (به ترتیب درباره رسول اکرم^(ص)، امیر مؤمنان^(ع) و امام حسین^(ع))

از علم ثنایت اظهري را

بر تیر فلک بود تعلّم

(قصیده ۲۳/۱۲)

از نون‌هال نکته و وصف جلال تو

هر صفحه گشت باغ‌ارم در کتاب من

(قصیده ۲۷/۳۴)

بیاض حُسن تو را گفته مطلع الانوار

سواد چشم مرا خوانده مجمع‌البحرین

(قصیده ۲/۷۹)

۶-۸. **اشاره به منقبت‌سرایان پیامبر^(ص) و هم‌ذات‌پنداری با آن‌ها**

گر شوم به، از سخن سنج جهان نبود عجب

نعت تو کرده است حسان را بزرگ از بوفراس

(قصیده ۲۶/۴)

۶-۹. آرزوی دیدار بارگاه اولیاءالله

به سوی خوابگهت دارم آرزو که مگر

سفید، روی سیاه من آن مزار کند

(قصیده ۳۹/۱۶)

ز پای بوس تو دورم فکنند بخت، برون

بر آستان تو راهم نداد چرخ شمس

(قصیده ۳۳/۱۹)

۶-۱۰. امید به شفاعت ائمه^(ع)

در خطاب به امیرالمؤمنین^(ع)، امام حسین^(ع)، امام زمان^(عج):

فراموشم مکن چون در قیامت

کنی جا سایه چتر الهی

(قصیده ۱۶/۴۳)

به لطف شامل شه اظهري! پناه آور

که حافظ تو شود از حوادث طرفین

(قصیده ۲۴/۷۹)

گشای دیده رحمت به اظهري حزين

که جز درت ز دو عالم نخواست ماوی را

(قصیده ۳۲/۴۹)

اظهري در پنجاهمین قصیده خویش با عنوان «جامع المناقب» به منقبت چهارده

معصوم^(ع) و انبیا و اولیای الهی پرداخته است:

ز بعد حمد خدا و درود پیغمبر

پس از مناقب ذات مقدس حیدر، (۱)

کنم شروع به وصف حسن، امام بحق

که شد ز شربت زهرش لب شهادت تر (۲)

تفاخر شهدا، سرور انام، حسین

که خاک مرقد او چرخ راست کحل بصر (۵)

دگر به منقبت شاه دین، علی حسین

که داده آب به خلد برین ز دیده تر (۶)

ز بعد او به ثنای محمد باقر

که سرفراز لوای نبی ست در محشر (۸)

مرا چه حال که گویم ز حالت صادق

مرا چه حد که کنم وصف حضرت جعفر (۱۱)

زنم دم از سخن وصف موسی کاظم

من از کجا و ثنایش که نیست حدّ بشر (۱۳)

امام برحقِ هشتم علی بن موسی

که داغ غربت او هست هم‌نیشن جگر (۱۶)

محمد تقی آن شهریار پاک‌نژاد

که تا به حشر عدیش نژاد از مادر (۱۸)

کتاب علم کمالات کل علی نقی

کز اوست دین نبی را صحایف دفتر (۲۰)

ز بعد او حسن عسکری امام بحق

نیامده است نظیرش ز پشت هیچ پدر (۲۲)

محمد ابن حسن، هادی ره تحقیق

که شد به پیرو دین محمدی رهبر (۲۴)

۷. نتیجه‌گیری

پایبندی به باورهای دینی و احترام بسیار اظهاری به اولیای دین، سبب شد که این شاعر شیعه مذهب قرن یازدهم، عشق و ارادت خود را به خاندان نبوت و امامت، در نهایت خلوص در اشعارش متجلی کند. اظهاری ۱۰۳۸۵ بیت در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی سروده و در آغاز دیوان و قبل از غزلیات خود، دو دیباچه و ترقیمه‌ای مسجع آورده است. مضمون اصلی قصاید وی (بیش از ۶۶ درصد)، نعت پیامبر^(ص) و منقبت ائمه^(ع) به ویژه امیرالمؤمنین^(ع) است. حمد خدا و منقبت معصومین^(ع) قصاید آغازین اظهاری را چون تحمیدیه‌ای مفصل می‌نمایاند. درخواست مغفرت او از خداوند با توسل‌های متعددش به اولیاء الله نیز موجب آفرینش چندین سوگندنامه در شعر وی شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت شاعر، اصول دین خود را از توحید تا معاد، در پهنه قصاید خویش نمایانده است. ۵۲ قصیده از ۸۳ قصیده شاعر درباره توحید و منقبت خاندان نبوت و امامت سروده شده که دو قصیده آن در توحید و مناجات، هفده قصیده در نعت پیامبر^(ص)، ۲۶ قصیده در منقبت امیر مؤمنان^(ع)، یک قصیده در منقبت امام حسن^(ع)، دو قصیده در منقبت امام حسین^(ع)، یک قصیده در منقبت امام رضا^(ع)، دو قصیده در منقبت امام زمان^(عج) و یک قصیده با

عنوان جامع المناقب است که در آن علاوه بر پیامبر^(ص) و خاندان مطهر ایشان، بسیاری از انبیا و اولیای الهی هم ستوده شده‌اند. قصاید اظهري با توحید پروردگار آغاز و با جامع المناقب و «مناجات باری عزاسمه» (قصیده^{۸۰}) پایان می‌یابد. در جای جای دیوانش ارادت و باور قلبی خود را در تصاویری متفاوت در مقابل چشم خواننده بازتاب داده است. چنان‌که دو قطعه وی نیز به ذکر واقعه کربلا اختصاص یافته و در قطعه‌ای دیگر در دفاع از تشیع خویش، خود را «شیعه فطری» خوانده و پس از اظهار ارادت به امام زمان^(عج)، از مخالفان ایشان براءت جسته است. عزم اظهري در منقبت‌گویی به اندازه‌ای است که به جرئت می‌توان گفت بهترین و زیباترین قصایدش مناقب او هستند و تعدد قصاید اعتقادی وی نسبت به مدیحه‌سرایی‌هایش، نشان‌دهنده ارادت راستین شاعر نسبت به خاندان نبوت و امامت است. استفاده از تصاویر شعری، انواع آرایه‌های لفظی و معنوی خلاقانه و زیبا و به‌ویژه بسامد فراوان تلمیح و اقتباس، نشان‌دهنده اوج‌گرایی شاعر به چهارده معصوم^(ع) است. دقت در به‌گزینی و انتخاب واژگان، توصیف‌های غنایی و حماسی، ذکر صفات ظاهری و باطنی، تشبیب‌های زیبا و سوگندنامه‌سرایی، از محاسن و آرایش‌های اظهري در قصاید اعتقادی اوست.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۷۳). الذریعه. ج ۳. مشهد: آستان قدس رضوی.
۳. ابن جوزی، علی بن محمد (۱۴۱۸ق.). الوفاء باحوال المصطفی. به تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. احمدی دارانی، علی اکبر (۱۳۹۴). «نوع ادبی سوگندنامه». شعرپژوهی. س ۷. ش ۲. صص ۱-۲۴.
۵. احمد بن حنبل (۱۴۱۶ق.). مسند. ج ۱. بیروت: الرساله.
۶. اظهري شیرازی، بوداق [بی تا]. دیوان اشعار. نسخه خطی شماره ۳۷۷. کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار).
۷. _____ [بی تا]. دیوان اشعار. نسخه خطی شماره ۶۰۷۸-۶. تهران: کتابخانه دانشگاه تهران.
۸. امینی، عبدالحسین (۱۳۹۱). الغدير. ترجمه محمد تقی واحدی. تهران: بنیاد بعثت.
۹. ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی. زیر نظر ایرج افشار. ج ۳. تهران: امیرکبیر.
۱۰. حدائق شیرازی، ضیاءالدین معروف به ابن یوسف (۱۳۱۶). فهرست نسخ خطی مدرسه عالی سپهسالار. ج ۲. تهران: چاپخانه مجلس.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۶). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. ستوده، غلامرضا و محمدباقر نجف زاده بارفروش (۱۳۶۶). تحمیدیه در ادب فارسی. تهران: جهاد دانشگاهی.

۱۳. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا. به تصحیح علی اکبر غفاری. ترجمه حمیدرضا مستفید. ج ۲. تهران: جهان.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة. به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. ج ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. ج ۴. قم: اسلامی.
۱۶. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک). ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج ۳. تهران: اساطیر.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). التبیان فی تفسیر القرآن. مقدمه آقابزرگ تهرانی و تحقیق احمدقصر عاملی. قم: آل البیت.
۱۸. کلینی، محمد (۱۳۷۷). اصول کافی، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. محبتی، مهدی (۱۳۸۰). بدیع نو. تهران: سخن..
۲۰. متقی هندی، علاء الدین علی (۱۴۲۴ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. ج ۱۱. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۸). بحار الانوار (ترجمه فارسی). ج ۶۷. اصفهان: مرکز تحقیقات رایان های قائمیه.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). سیری در نهج البلاغه. تهران: نسیم مطهر.
۲۳. مفید، محمد (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. ج ۱. قم: آل البیت.
۲۴. میبدی، ابوالفضل (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الابرار. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
۲۵. همایی، جلال الدین (۱۳۷۷). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما.

The prophetic Functions of the Protagonist in Epics

Aliasghar Bashiri

Abstract

Religious battles constitute a significant part of the narrative of an epic. Protagonists such as Rostam, Faramarz, Jahangir, Sam, Zaringhaba, and even Garshasb believed their functions to be of a prophetic nature. Within this research, prophetic functions point to the fact that the protagonists of epic narratives believed an important duty of themselves to propagate divine religion. The religion such protagonists are looking to propagate mostly resemble Islamic beliefs. What gives extra importance to this notion is that these protagonists belong to eras before the emergence of Islam, with only their tales being recited by narrators who lived during the reign of Islam. This is the source of the importance of the subject of this research; what impact did the religious beliefs of the narrators of these epics had on the epics' content. This article investigates the concept of the prophetic functionality of the protagonists in a number of epics post Shahnameh (Kushnameh, Garshasbnameh, Faramarznameh, Samnameh, Jahangirnameh, and Zaringhabanemeh). An investigation of these epics concludes that the Islamic viewpoints of these narrators regarding the religious wars of the Islamic society has left an imprint on the aforementioned works of epic to define their function as propagating divine religion. This viewpoint is prevalent in epics post Shahnameh, since this epic bears a difference with the beliefs of protagonists in other epics, even though there are traces of religious battles between Gashtasb and Esfandiar and their incentives to propagate monotheism in this epic as well. The Islamic views of the poets of epics that came after Shahnameh affected the protagonists of their works as they uttered their own beliefs through the words and actions of these protagonist.

Keywords: Function, prophetic, Shahnameh, Rostam, Samnameh, Jahangirnameh, Zaringhabanemeh.